

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه 10 می 2018

ارسالی: نجیب سخی

کلام : «راهی سی آبی»

قاضی شهر

زوجه ئی خوش تمکین و خیلی جوان
داد خواستند ز قاضی بر رازی نهران
در بهار عمر میگردند سروری
ناز ها و جلوه ها با صد دلری
می ریختند باده شهوت روز و شب
تا برون آمد شکایت ها بلب
جوانک مرد را توان جماع نماند
جوانه زن در حالت ارضاً نماند
شکایت بردند بر قاضی و داوری
به شرع شریف با صد خوش باوری
قاضی چون جمال جوان دختر بدید
آهی حسرت از نهادش بر دمید
قاضی گفت چیست علتی پرخاشگری
تا رسد کار بقضا و داوری
گفتند : نزدت ما بوساطت آمدیم
سوختیم لیک در راهی شریعت آمدیم
خانم خواهد هر شب پنج بار جماع
نتوانم من زیاده از سه بار اکتفاً



ده هدایت از طریق عقل و دین
تا بدان ارضاً گردد علم و یقین
گفت قاضی: حیف زوجی باین تابندگی
بشکنند پیمان درین بیهودگی
نه شرع باشد طلاق و قاطعیّت
هم جوید او راهی حل و مصلحت
درین راه نمایم خدمت پیشنهاد
تا بجا ماند این زوج را نهاد
سه بار در شب را تو توانی اکتفاً
دوی دیگر را من نمایم اجرا
اینچنین شریعت را خنجر زدند
شر را با شرع شریف پیوند زدند
راهی از تمکین سوخت حرص و آزر چنین
تا قاضی چو تازی نماند در کمین

